

ارزیابی مدخل «خانواده» از دایرةالمعارف قرآن لایدن

دکتر فتحیه فتاحی زاده^۱ - اعظم سادات شبانی^۲

چکیده

مدخل «خانواده» در دایرةالمعارف قرآن لایدن، واژه خانواده در قرآن را بررسی و نگاه قرآن به خانواده و نیز جایگاه مرد، زن و فرزندان در خانواده را بیان می‌کند. مؤلف این مقاله، آونر گیلادی، به اجمال و ناقص به موارد یاد شده پرداخته و مفاهیم شبهه برانگیزی از جمله برتری مرد بر زن، اختیار مرد در تنبیه بدنی زن، مستقل نبودن زن در امور مالی خود و طلاق را مطرح کرده است.

در مقاله حاضر، ضمن بیان اشارات ناقص نویسنده مدخل، با تحلیل موارد مذکور و مراجعه به تفاسیر، شبهات مطرح شده در این مدخل مورد بررسی قرار گرفت و نگرش صحیح اسلام به این امر نشان داده شد و مشخص شد این مفاهیم به دلیل انتخاب و گزینش بخش‌هایی از قرآن توسط نویسنده، به شکل صحیح و کاملی ارائه نشده است، لذا برداشت درستی از این مدخل به دست نمی‌آید.

کلید واژه‌ها: خانواده در قرآن، زن در قرآن، دایرةالمعارف لایدن، آونر گیلادی، قیومیت مرد، تأدیب زنان.

۱. استاد تمام دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء. ac. ir_fattahizadeh@alzahra.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، نویسنده مسئول az. shabani75@gmail

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱

۱- بیان مسئله

آثار مستشرقان به سبب نگاه بیرونی نسبت به اندیشه‌ها و اصول اسلامی، مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است. در آثار مستشرقان دو هدف کلی را می‌توان ردیابی کرد: ۱. دغدغه‌های پژوهشی برای شناخت فرهنگ‌های دیگر و انتقال این فرهنگ‌ها به مردم سرزمین خود، که در این میان اشتباهاتی نیز رخ داده است.

۲. اغراض سیاسی و دینی.

در حوزه مطالعات اسلامی گاه مستشرقان، از متفکران اسلامی در تدوین و خلق یک اثر مکتوب علمی، پیشی گرفته‌اند؛ از جمله این آثار می‌توان به دایرةالمعارف قرآن لایدن^۱ اشاره کرد. ناشر این مجموعه انتشارات بریل^۲ هلند است که آثارش در زمینه اسلام-شناسی شهرت دارد. این دایرةالمعارف را گروهی از خاورشناسان، متشکل از تعداد زیادی از پژوهشگران مسیحی، یهودی و اندکی از مسلمانان، به سرپرستی خانم مک اولیف^۳، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا عرضه کرده‌اند. از سال ۱۹۹۳م خانم مک اولیف کار برنامه‌ریزی نگارش این دایرةالمعارف را آغاز کرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۸) "این دایرةالمعارف علاوه بر آنکه نوعی لغت نامه بسیار گسترده درباره اصطلاحات، مفاهیم، شخصیت‌ها، اسامی مکان‌ها و تاریخ فرهنگ قرآنی است، تفسیر مختصری از مطالعه تخصصی قرآن در آغاز قرن ۲۱ به زبان اروپایی به شمار می‌آید." (مؤدب - موسوی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۱۰؛ اسکندرلو، ۱۳۸۲: ۲)

مدخل "خانواده"^۴ به قلم "آونر گیلادی"^۵ است. از او مدخل‌های دیگری چون "فرزندان"،

1. The Encyclopedia of the Quran.

2. Brill Academic publishers.

3. Jane Dammen McAuliffe.

4. Family.

5. Avner Giladi.

"فرزندخواندگی" ۱، "قیمومیت" ۲، "شیردهی" ۳، "یتیم" ۴ و "والدین" ۵، در دایرةالمعارف قرآن به چاپ رسیده است. او دکترای خود را در رشته «مطالعات خاورشناسی» در دانشگاه «عبرو» اورشلیم در سال ۱۹۸۴م به پایان رسانده و در حال حاضر استاد دانشگاه «حیفا»^۶ می باشد. ([www. linkedin. com/pub/dir/Avner/Giladi](http://www.linkedin.com/pub/dir/Avner/Giladi))

تحلیل گیلادی از زن و خانواده در قرآن، به دور از حقیقت قرآن است. نوشتار حاضر، با تحلیل کیفی موضوع، به این سؤال پاسخ می دهد که آیا در قرآن پدرسالاری و حکومت بی چون و چرای مرد بر خانواده مطرح است؟ با تمرکز بیشتر بر قرآن و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی آن زمان به این سؤال پاسخ می دهیم. گرچه در زمینه خانواده در قرآن، پژوهش های فراوانی انجام شده است، اما پژوهش حاضر به سبب ارزیابی دیدگاه یک مستشرق ضروری است. مقالاتی در زمینه خانواده پیامبر ﷺ و نیز جنسیت در قرآن، در دایرةالمعارف قرآن لایدن به چاپ رسیده و نقد نیز شده اند که از نظر محتوا با پژوهش حاضر متفاوت اند.

۲- ارزیابی مدخل خانواده در دایرةالمعارف

در مواجهه با مدخل "خانواده" دو چالش مطرح است. نخست آنکه برای دستیابی به مفهومی نزدیک به واقعیت در هر امری، جامع نگری و بررسی دقیق ابعاد یک موضوع، اجتناب ناپذیر است، لذا جامعیت نداشتن و گزینش برخی از آیات قرآن، گمراه کننده خواهد بود. دیگر آنکه گیلادی با نگاه جنسیتی، مرد را از دیدگاه قرآن در درجه اول اهمیت و زن را در جایگاه دوم قرار می دهد. مباحث مربوط به زن و خاستگاه اجتماعی و ارزشی او همواره مورد توجه عموم نویسندگان بوده است و در این مقوله آثار ارزشمند و مؤثر کم نیست، ولی جمع بندی و مرور دوباره این مفاهیم، ما را در ارزیابی این مدخل یاری

1. Fosterage.
2. Guardianship.
3. Lactation.
4. Orphan.
5. Parents.
6. University of Haifa.

می‌کند.

در بررسی دیدگاه اسلام نسبت به خانواده و جایگاه زن، چندین منبع مطرح است:

۱- قرآن؛ به عنوان اصلی‌ترین و بهترین منبع.

۲- سیره عملی پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام؛ به عنوان حجتی بردستیابی به بینش صحیح اسلامی.

۳- تاریخ و وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمان پیامبر ﷺ و دوره‌های بعد.

۲-۱- ارزیابی نقاط مثبت مدخل

در این مدخل، واژه‌های برگرفته از قرآن در مفهوم "خانواده" در بیش از نود آیه مطرح شده و به تعریف لغوی "خانواده" پرداخته شده است. واژه‌هایی چون "آل" و "اهل" به صورت مفرد و ترکیبی مطرح شده و لغاتی دیگر چون "عشیره"، "رھط"، "فصیله"، "القربی" و ترکیب این لغت با لغاتی دیگر چون "ذوالقربی"، "اولی القربی" در تعریف خانواده آمده و همچنین در ارتباط خانوادگی از واژه‌هایی چون "رحم"، "ارحام"، "قربیت"، "اولی الارحام" و "صهرا" در قرآن یاد شده است. اصطلاح‌شناسی این مدخل درباره "خانواده" به درستی انجام گرفته است. بنابراین تعاریف اولیه این مدخل، از نقاط مثبت آن به شمار می‌رود.

در ادامه گرچه گیلادی با تکیه بر بعضی آیات القا می‌کند که اسلام برخلاف بیان شعار برابری میان انسان‌ها، در عمل این عدالت را بین زن و مرد برقرار نکرده است، ولی در انتهای مدخل نتوانسته است آیات حاکی از نگرش والای اسلام به خانواده را، با وجود اشارات ناقص در گفتار خود، عرضه نکند و این از دیگر نقاط مثبت این مدخل است.

۲-۲- ارزیابی نقاط منفی مدخل

گیلادی با ذکر بعضی از آیات و معانی آن‌ها و ارائه تفسیری مختصر، به تحلیل نادرستی از آیات پرداخته است. او می‌نویسد: "در زمان پیامبر ﷺ ساختار خانواده در درون نظام قبیله‌ای اعراب که یک جامعه مدارسالاری معمول و نافذ آن زمان بود، به

جامعه پدرسالاری انتقال یافت. " (مک اولیف، ۲۰۰۲: ۱۷۴/۳) در حالی که با بررسی تاریخی به تعبیری دیگر می‌توان رسید.

او در ادامه به موضوع رسمیت دادن "چندزنی" توسط حضرت محمد ﷺ پرداخته که با نادیده گرفتن شرایط خاص تعدد زوجات در اسلام و وجود دیدگاه منفی نسبت به این امر در جوامع غربی، نتیجه درستی از آن نگرفته است.

در نقد این موارد به بررسی چهار محور اساسی پرداخته می‌شود: بررسی تاریخی "زن پیش از ظهور اسلام"، "خلقت انسان"، "دیدگاه سنت" و "ارزیابی برخی از تفاسیر بزرگان" در مورد آیات مطرح شده در این مدخل.

۲-۱- نادیده گرفتن شرایط اسف بار زن پیش از ظهور اسلام

تصویر کلی ارائه شده در این مدخل از دیدگاه اسلام نسبت به زن و خانواده عبارت است از:

۱. برتری مردان بر زنان، با طرح مسائلی چون اختیار تام مرد بر زن در اموال شخصی زن، طلاق، ارث، تنبیه فیزیکی زن و...
 ۲. مانع بودن خانواده در مسیر رشد معنوی فرد.
- در این مدخل، در کنار سرپرستی مردان به عنوان تأمین‌کننده نیازهای خانواده، به برتری و تسلط مردان بر زنان نیز اشاره شده است.
- برای اینکه به معنای درستی از موقعیت خانواده در زمان پیامبر اکرم ﷺ دست یابیم، لازم است نگاهی به تاریخ داشته باشیم. زن و خانواده پیش از ظهور اسلام، بدترین موقعیت اجتماعی را داشت. مسئله زنده به گور کردن فرزندان دختر در عرب جاهلیت، نگاه برده‌وار و ظلم به زنان و در خدمت بودن زن در هر شرایطی در قبال همسر (ابوزهره، ۱۹۷۵: ۱۲؛ تکویر/ ۹) از مشکلات زنان آن زمان بود. در قرآن به احساس شرم پدر خانواده از تولد فرزند دختر اشاره شده است. (بنگرید به: نحل / ۵۸ و ۵۹).

1. Polygamy.

زن در دیگر مذاهب و جوامع نیز وضعیتی بهتر از این نداشت. ویل دورانت^۱ می‌گوید: "قانون تلمود ساخته و پرداخته بشر بود و چنان از مرد جانبداری می‌کرد که گویی ربن‌ها از قدرت زن واقعاً بیم داشتند. این جماعت مانند علمای قدیم مسیحیت، زن را به خاطر کنجکاوی زیرکانه حوا مسئول خاموش کردن "روح عالم" می‌شمردند و او را سبکسر می‌خواندند." (ویل دورانت، ۱۳۸۳: ۲۶).

اسلام به عنوان کامل‌کننده ادیان توحیدی پیشین نباید به تکرار همان دیدگاه‌های ناقص می‌پرداخت.

زن پیش از اسلام بی‌عدالتی‌های بسیاری را متحمل می‌شد. علامه طباطبایی نگاه کشورها و جوامع مختلف به زن را این گونه بیان می‌کند:

۱- معتقد بودند زن انسانی است در افاق حیوانات. اگر او را آزاد بگذارند، از شر او نمی‌توان خلاص شد، لذا باید همیشه تحت مراقبت و تبعیت از مرد زندگی کنند.

۲- زن را جزء جامعه انسانی نمی‌دانستند و نگاه ابزاری به او داشتند.

۳- هیچ نوع حق اجتماعی برای او قائل نبودند.

۴- رفتار آنان با زن بر اساس غلبه قوی برضعیف بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۲۷۳-۲۷۸)

۲۷۸؛ نوری همدانی، ۱۳۸۹: ۱۳)

با توجه به شرایط نابهنجار آن روز، ادعای مطرح شده در این نوشتار را نمی‌توان پذیرفت که پیامبر ﷺ جامعه مدارسالاری عرب قبل از اسلام را به جامعه پدرسالاری تبدیل کرد و شواهد تاریخی، ناقض این موضوع هستند.

در آن شرایط نابسامان، اسلام تجلی یافت و با رفتارهای تبعیض‌گرایانه نسبت به زن مقابله کرد. برای تغییر این نوع افکار جاهلانه، ورودی نرم لازم بود تا سد این موانع رفتاری برداشته شود. با بازنگری در آیات قرآن روشن می‌شود که نه تنها اسلام نگاه سلطه‌جویانه و برتری‌طلبی نسبت به زن روا نداشته است، بلکه با هویت‌بخشی به او، ارزش‌های واقعی و

1. Will Durant (William James Durant).

جایگاه فراموش شده او را احیا کرده است. سید قطب از نقش حیاتی اسلام در تکریم جایگاه زن می‌گوید: "زن در چنین شرایطی بدون تکریم اسلام محال بود ماهیت واقعی‌اش را احراز کند. انسان که نفخه‌ای از روح الهی است شامل مرد و زن می‌شود. با این نگرش، زن شأن و منزلت خود را یافت؛ چون ارزش‌های معنوی جایگزین ارزش‌های مادی شدند. معیار ارزش، روح انسان است که در زن و مرد هیچ تفاوتی ندارد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶/ ۳۸۴۰)

با این بینش منفی نسبت به زن که در فضای جامعه آن روز رخنه کرده بود، نمی‌توان به رویکرد این مدخل درباره زبردست بودن زن و برتری جنس مرد اعتنا کرد. گیلادی با تکیه بر آیاتی چون آیه ۳۴ سوره نساء، دیدگاه اسلامی را به چالش کشیده است. در اصل برای ضربه زدن به اندیشه‌های مذهبی، به توهین مستقیم نیازی نیست، بلکه با نقص در گفتار می‌توان این تخریب را ایجاد کرد.

۲-۲-۲- بیان نادرست از جایگاه خانواده و زن در اسلام، بدون توجه به نگرش

واقعی قرآن نسبت به زن

گیلادی با توجه به آیات ۱۴ سوره تغابن و ۸۰ سوره کهف، زندگی با همسر یا همسران و فرزندان را یک خطر جدی برای مسلمان می‌داند. او بدون هیچ تحلیل یا اشاره به تفسیری در این زمینه و یا بیان صریحی از منظور آیات، آن را رها کرده است!

در ابتدا، چه بسا این سؤال پیش آید که پرداختن به خانواده، چگونه برای مسلمان تهدید است؟ مگر خانواده نهاد مقدّسی نیست که می‌تواند زمینه‌ای برای رشد معنوی انسان گردد؟ گیلادی می‌بایست اشاره کوتاهی به این مطلب می‌کرد که نگاه افراط یا تفریط گرایانه به هر امری می‌تواند تهدیدی برای فرد در مسیر معنوی باشد، نه فقط زن و فرزند!

در آیه ۱۴ سوره تغابن "من" در ﴿مَنْ أَرْوَاجِكُمْ﴾، مِنْ "تبعیضیه" و به معنای "بعضی از همسران شما" می‌باشد و بیانگر عده‌ای از زنان است که با همسرانشان به خاطر ایمانشان دشمنی می‌کنند و در اموری چون انفاق در راه خدا و هجرت از دارالکفر(اشاره به شأن

نزول آیه) با همسرانشان مخالفت می نمایند. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۵۱۵) با وادار کردن همسر به معصیت به دلیل سود شخصی و یا به دست آوردن اموال همسر، این مخالفت حاصل می شود. (بنگرید به: طبرسی، بی تا: ۲۵/۷۶).

خانواده مورد نظر آیه، خانواده ای است که زنان در جنگ و مخالفت با همسرانشان هستند و فرزندان مانع ایمان پدرانشان بوده، آنان را اذیت می کنند. خدا انسان را از مقابله با چنین خانواده ای منع کرده و خود وعده کیفر آنان را داده است و انسان در برابر این پایداری، گناهانش آمرزیده می شود. (بنگرید به: زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۵۵۰) حال اگر برداشتی غیرمنصفانه از بعضی آیات که حاکی از سطحی نگری است، صورت گیرد، ناشی از بی توجهی به سیاق سوره بوده و تفسیر به رأی است. در آیه مذکور، سه واژه "عفو"، "صفح" و "مغفره" با هم آمده که تأکیدی بر بخشش در مورد زندگی خانوادگی است. وقتی به عفو اشاره می شود، یعنی در مقابل خطای خانواده چشم پوشی کنید، "صفح" یعنی سرزنش هم نکنید و "مغفره" مرتبه بالاتری در بخشش نسبت به "عفو" می باشد که بعد از "عفو" و "صفح" آمده است. (بنگرید به: قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۰/۸۶).

۲-۲-۳- تلقی برتری مردان بر زنان

در این مدخل به بی عدالتی جامعه اسلامی درباره زنان و مردان اشاره شده است. این تلقی از آیاتی چون یوسف / ۲۵؛ نساء / ۳۴، ۱۲۸؛ بقره / ۲۲۳، ۲۲۸ گرفته شده است. نگاه قرآن به زن، نگاه انسانی و فراجنسیتی است. او نیز همانند یک مرد، شامل کمالات انسانی می شود و در خور مقام خلیفه الهی است. توجه به زن و خانواده در قرآن را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

- ۱- خلقت و آفرینش انسان، جدای از جنس او؛
- ۲- آیات مربوط به جایگاه انسان در خانواده؛
- ۳- تقوا، عامل برتری انسان ها نسبت به یکدیگر؛
- ۴- اسوه های قرآنی از زنان و مردان؛
- ۵- جفت بودن مرد و زن برای یکدیگر در راه رسیدن به کمال متقابل.

۳- خلقت و آفرینش انسان

خلقت انسان جدای از جنسیت او، بیانگر وجود عدالت میان زنان و مردان در قرآن است. زن در آفرینش موجودی مستقل و تقسیم موجودات به مذکر و مؤنث، قانونی عام در جهان مادی است: ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ (لیل / ۳)؛ و [سوگند به] آن که نرو ماده را آفرید. "آدم و حوا" در خلافت، دمیدن روح، سجده فرشتگان، تعلیم اسماء، و سوسه شیطان، عصیان، عهد، برگزیدگی، دریافت کلامات، توبه و ماده آفرینش با هم برابرند. (مهریزی، ۱۳۷۷: ۱۷) و قرآن کریم تنها برای هدایت مرد نازل نشده است. از جمله تعبیرات به کار رفته در معنای عام آن اعم از زن و مرد می توان به "انسان" اشاره کرد (بنگرید به: الرحمن / ۳). واژه دیگر "ناس" است که شامل زن و مرد می شود. (بقره / ۱۸۵؛ بنگرید به: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷۸-۸۱)

حال هدف از آفرینش انسان چه بوده است و آیا تفاوتی بین دو جنس زن و مرد می توان قائل شد؟ جواب این است که هدف از خلقت، "عبودیت و بندگی" است و فرقی در این زمینه بین زن و مرد وجود ندارد. (بنگرید به: ذاریات / ۵؛ انفال / ۲۴) قرآن همچنین می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...﴾ (نحل / ۹۷)^۱ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: "وعده نیکویی است که خداوند به زنان و مردان مؤمن می دهد و فرقی میان آنان در قبول ایمان و اعمال صالحشان نگذاشته است. این برابری بین مرد و زن برخلاف دیدگاه بیشتر غیرموحدان و اهل کتاب است و زنان را از تمامی مزایای دینی و یا بیشتر آن محروم دانسته و مرتبه زن را پایین تر می پنداشتند. آنان زنان را در وضعی قرار داده بودند که قابل ارتقا نبودند." (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۴۹۱).

سید قطب هم اشاره می کند که اینجا از دو جنس مذکر و مؤنث صحبت شده که در

۱. نیزر. ک: عصر: ۲ و ۳؛ جائیه: ۲۱؛ عنکبوت: ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱؛ سبأ: ۴، ۳۷، ۳۸؛ سجده: ۱۹؛ حج: ۵۶ و

۵۷؛ لقمان: ۸ و ۹؛ تغابن: ۹؛ غافر: ۴۰؛ نساء: ۱۲۳ و ۱۲۴.

قاعده عمل و جزا مساوی هستند و در برابر پاداش و عقوبت از طرف خداوند در موضع یکسانی هستند. "من" در این آیه مشتمل بر هر دو جنس است که خود سوء تفکر جاهلیت راجع به انوثة را زیر سؤال می برد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴/ ۲۱۹۳).

علامه فضل الله بیان می کند در اسلام فرقی میان مرد و زن در انجام اعمال و دریافت نتیجه عمل، شامل ثواب و عقاب نیست. در نتیجه انسانیت زن در برابر خداوند مساوی با انسانیت مرد است، پس آن ها در عبودیتشان در برابر خدا از موقعیت یکسانی برخوردارند. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲/ ۲۹۳)

این تساوی در امور معنوی زیر نیز جاری است:

- تقوا: (حجرات / ۱۳)

- جایگاه بهشت: (احزاب / ۳۵ و ۴۱)

- اطاعت از خدا و پیامبر خدا: نساء / ۸۰ و ۱۳؛ فتح / ۱۷؛ احزاب / ۳۶

- سبقت در ایمان: (توبه / ۱۰۰؛ واقعه / ۱۱، ۱۲ و ۲۴)

- بیعت: (ممتحنه / ۱۲؛ فتح / ۱۸)

- هجرت: (نساء / ۹۷، ۹۹ و ۱۰۰؛ انفال / ۷۲، ۷۴؛ حج / ۵۸، ۵۹؛ آل عمران / ۱۹۵)

- جهاد: با خطابی عام بر هر زن و مردی واجب شده است.

- امر به معروف و نهی از منکر: (توبه: ۷۱)

- حیا و عفت: (نور / ۳۰ و ۳۱)

... و

از جمله اهداف خلقت انسان، آزمایش بندگان (ملک / ۲؛ عنکبوت / ۲، ۳، ۱۱) و رسیدن به زندگی پاکیزه (انفال / ۲۴؛ نحل / ۹۷) است. آنچه از آیات مزبور استنباط می شود این است که اگر برتری جنسیتی بین مرد و زن مطرح بود، این برتری در خلقت به گونه ای باید منعکس می شد. در تمامی موارد مطرح شده هیچ جنسی بر دیگری برتری ندارد.

بالاترین ستایش های معنوی در قرآن کریم از مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ به عمل آمده (بنگرید به:

آل عمران / ۴۲) واژه‌های "اصطفاک" و "طهرک" در سوره آل عمران ۴۲ و ۴۵ به این ستایش اشاره دارد، یا جایی که از تکلم فرشتگان با مریم عَلَيْهَا صحبت می‌کند جایگاه رفیع زن را نشان می‌دهد.

این مباحث، تناقضی با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد ندارد و توانایی‌های متفاوت در زن و مرد به دلیل همین تفاوت‌هاست، نه برتری قائل شدن برای یک جنس در برابر جنس دیگر.

دیدگاه سنت نسبت به زن

با نگاه به روایات، شالوده فکری برتری مردان بر زنان سست شده و برداشت ناقص این مدخل از نگاه اسلام مشخص می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ». «زنان همتای مردانند. (ابن حنبل، ۱۳۸۹: ۶/۲۵۶؛ هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۸۲) همچنین از آن حضرت نقل شده است: «إِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلِ الْمَرْأَةِ»، بهشت زیر پای زنان است. (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۴/۲۷۴)؛ و نیز: «خِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِ»؛ بهترین شما آن است که با زنان بهترین باشد. (ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۲/۶۳۶)؛ نیز: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا... فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ وَاسْتَوْصُوا بِهِنَّ خَيْرًا!» ای مردم! زنان بر شما حقوقی دارند، چنان‌که شما را نیز بر آنان حقوقی است. خدا را نسبت به زنان در نظر آورید و نسبت به آنان خیر و نیکی سفارش کنید (ابن شعبه، ۱۳۹۴: ق: ۳۰).

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان نبی نمی‌تواند کلام متناقضی با قرآن بیاورد و سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متناقض با کلام وحی نیست. بی‌شک، وحی مقروء که همان بیان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، مکمل وحی متلو؛ یعنی قرآن است. (بنگرید به: عجاج خطیب، ۱۴۱۲: ۲۴)

۴- جایگاه انسان در خانواده از منظر قرآن

انسان در عالم، به سبب قوه تعقل و تکلم، جایگاهی ممتاز دارد. در قرآن آیاتی به این جایگاه تصریح کرده‌اند که شامل زن و مرد می‌شود. لفظ عام در زبان عربی، به خصوص در خطاب‌های جمعی، از باب تغلیب، مذکر مطرح می‌شود، ولی مشمول هر دو جنس

است و مراد خداوند رجحان دادن جنسی بردیگری نیست. در این گونه آیات همه چیز در تسخیر زن و مرد در مسیر عبودیت است. (بنگرید به: اسراء / ۷۰).

بعضی از آیاتی که در این مدخل در اثبات فضای مردسالاری به کار رفته است، آیاتی است که بدون تفسیر، دستیابی به معنای دقیق آن دشوار است. در اینجا بعضی از آن‌ها یاد می‌شود:

۴-۱- بررسی قیومیت مرد بر زن

مدخل خانواده با تکیه بر آیه ۲۲۸ بقره به برتری مردان بر زنان اشاره می‌کند و با استناد به آیه ﴿وَلِلرَّجَالِ عَلَىٰ هُنَّ دَرَجَةٌ...﴾ مردان را از زنان برتر شمرده است. گیلادی ابتدا سرپرستی مرد بر زن را به درستی بیان کرده است. در جایی در مدخل آمده است: "از دیدگاه قرآن مردها در دسته و گروه بالاتری از زنان قرار می‌گیرند و به عنوان سرپرست خدمت می‌کنند." اگرچه به خدمت مرد به خانواده به عنوان سرپرست اشاره شده است، ولی استنباط بالاتر قرار گرفتن مردان از زنان، استنباطی درست نیست. مقصود از "درجه" برتری انسانی نیست، بلکه مسئولیت مرد در اداره امور اجرایی و هزینه‌های خانه و سرپرستی مرد در زندگی خانوادگی می‌باشد. (فضل الله، ۱۴۱۸: ۹۰؛ همو، ۱۴۱۵: ۸۶؛ مدرسی، ۱۴۰۶: ۱/۳۹۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۵/۱۶۸).

"زن و مرد در خانواده دارای دو عنوان هستند؛ یکی «همسری» و دیگری «پدری یا مادری». زن به عنوان همسر، هویتی مستقل و برابر با مرد دارد. وی از همه مزایای ازدواج و خانواده بهره می‌برد. زن مانند مرد، حق انتخاب در ازدواج دارد و هیچ‌گونه تحمیلی بر او روا نیست. در درون خانه کسی سالار زن نیست، زن شریک زندگی است نه اسیر زندگی. خانواده با یک عقد که دو طرف حاصل می‌شود و آثار و لوازم آن بر زن و شوهر جاری است. زن به عنوان مادر نیز رکنی از خانواده همچون پدر است، حتی از جایگاهی بالاتر از پدر برخوردار است. با واکاوی آیات قرآن پیرامون دستورات خدا درباره پدر و مادر اهمیت این موضوع آشکار می‌گردد. (بنگرید به: اسراء / ۲۳ و ۲۴؛ لقمان / ۱۴) قرآن تصمیم‌گیری درباره شیردادن کودک را به عهده مادر و پدر می‌گذارد. (بنگرید به: بقره / ۲۳۳) خانواده در

اسلام سالار ندارد. مردسالاری، زنسالاری یا کودکسالاری، همه انحراف از مسیر طبیعی و فطری خانواده است. در خانوادهٔ مسلمان مدیر هست، اما سالار و مولی نیست؛ زیرا دیگران برده و رعیت نیستند." (مهریزی، ۱۳۷۷: ۸۶)

بعضی از مفسران واژهٔ "درجه" را برتری مرد در امر طلاق و عده قرار داده‌اند. در مدخل مذکور به تفسیر زمخشری استناد شده است. مرحوم طبرسی بحث را به مسائل مهم‌تری فراتر از طلاق و عده کشانیده و به مجموعه حقوق زناشویی مردان و زنان اشاره می‌کند: "همان طور که برای مرد حقوقی بر عهده زنان گذارده شده زنان نیز حقوقی بر مردان دارند که آن‌ها موظف به رعایت آن هستند؛ زیرا در اسلام هیچ‌گاه حق یک طرفه نیست، بلکه جریانی دو سویه است." (طبرسی، بی تا: ۵۷۵/۲)

واژه "معروف" به معنای کار نیک و شناخته، در این سلسله آیات دوازده بار تکرار شده است (از آیه مورد بحث تا ۲۴۱) که به مردان و زنان هشدار می‌دهد از حق خود سوءاستفاده نکنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. جمله ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْنَهُنَّ دَرَجَةٌ﴾ نشان می‌دهد عدالت میان زن و مرد به معنای برابری در همه چیز نیست. زن از نظر ساختار بدنی متفاوت با مرد آفریده شده و احساسات متفاوتی دارد. وظیفه مادری و پرورش نسل بر عهده زن است و سهم بیشتری از عواطف را دارد. وظایف خشن و سنگین تر اجتماعی بر عهده مرد است، بنابراین برای اجرای عدالت، پاره‌ای از وظایف اجتماعی که نیاز بیشتری به اندیشه و بردباری در برابر سختی‌ها دارد بر عهده مردان و وظایفی که عواطف و احساسات بیشتری را می‌طلبد بر عهده زنان گذاشته شده است. اعتقاد بر برابری این دو جنس در همه امور، با واقعیت و علم سازگاری ندارد؛ حتی در جوامعی که شعار مساوات می‌دهند، غیر آن دیده می‌شود. (بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۸ / ۲)

سید قطب می‌نویسد: جمله ﴿لِلرِّجَالِ عَلَيْنَهُنَّ دَرَجَةٌ﴾، تنها به مسئله رجوع در عدهٔ طلاق نظر دارد (قطب، ۱۴۱۲: ۲۴۷/۱)، ولی آیه الله مکارم شیرازی معتقد است این تفسیر با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا قبل از آن یک قانون درباره حقوق زن و رعایت عدالت، به

صورت ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ بیان شده، سپس جمله مورد بحث به صورت يك قانون ديگر به دنبال آن قرار گرفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۹/۲) شهید مطهری بیان می‌کند اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق، وظیفه و مجازات قائل نشده است. پاره‌ای از حقوق، تکالیف و مجازات‌ها برای مرد مناسب‌تر است و پاره‌ای برای زن. در نتیجه مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۱)

۴-۲- زنان، کشتزار مردان

مدخل خانواده، با استناد به آیه ۲۲۳ بقره به برتری مرد بر زن اشاره می‌کند که بر اساس آن، مرد بردستیابی و تصرف زن در هر زمان و مکان اختیار تام دارد. او با ارائه ناقص بخش‌هایی از قرآن، در انتقال درست معنا ناتوان می‌ماند. علامه طباطبایی بیان می‌کند: "معنای آیه این است که نسبت زنان به جامعه انسانی مانند کشتزار به کشت‌کار است. کشتزار برای بقای بذر لازم است، زنان نیز برای بقا لازم هستند و اگر نباشند نوع انسان دوام نمی‌یابد و نسلش قطع می‌شود. خداوند ادامه نسل انسان را تنها در رحم مادران قرار داده و مردان را متمایل به سوی زنان کرده است. در نتیجه میان دو دسته از انسان‌ها مودت و رحمت قرار داده که غرض از پدید آوردن این کشش، بقای نوع بشر بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۹/۲)."

سید قطب این آیه را در سیاق آیات ﴿هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ﴾ (بقره / ۱۸۷) و ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم / ۲۱) می‌داند؛ یعنی قرآن الفاظ "لباس"، "سکونت"، "مودت" و "حرث" را برای نشان دادن رابطه عمیق زن و شوهر به کار برده است. "حرث" بیانگر علاقه زن و مرد در تولید مثل و تکثیر نسل است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/۲۴۲)

قرآن با این تعبیر می‌خواهد ضرورت وجود زن در اجتماع را نشان دهد. زن وسیله اطفاء شهوت مرد نیست، بلکه برای حفظ حیات نوع بشر است. "حرث" مصدر و به معنای بذرافشانی است و گاه به خود مزرعه نیز اطلاق می‌شود. (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۱۲)

۲۷۹/۱) در ادامه آیه می‌فرماید: با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح، آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید ﴿وَقَدْ مُوا لِنَفْسِكُمْ﴾. اشاره به اینکه هدف نهایی از آمیزش جنسی، کام‌جویی نیست، بلکه از این موضوع، برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته و ذخیره معنوی استفاده می‌شود. (بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۱۴۲).

۴-۳- تأدیب فیزیکی زن توسط مرد

مهم‌ترین آیه‌ای که مدخل خانواده برای ثابت نمودن برتری مردان بر زنان به آن استناد کرده، آیه ۳۴ سوره نساء است که ناشی از توجه به ظاهرایه و برداشت شخصی از آن می‌باشد. در مدخل آمده است: "یک زن باید از همسرش اطاعت کند و به خاطر قصور و اشتباهاتش، باید به همسرش اجازه دهد تا تنبیه فیزیکی شود. این جنبه مردسالاری حتی در بعضی از احکام قرآنی مشروح در رابطه با ازدواج، طلاق به انضمام دوره عدّه و ارثیه نمایان است."

برای بررسی این موضوع لازم است مباحثی به موازات این شبهه مطرح شود:

تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان

امروزه زنان در جوامع غربی، حقوقی مساوی با مردان دارند که ظاهراً منصفانه به نظر می‌آید. حال آیا لازمه تساوی حقوق، تشابه حقوق است؟ استاد مطهری با بررسی دو واژه "تساوی" و "تشابه" درباره حقوق زن و مرد می‌گوید: "تساوی غیر از تشابه است. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی. کمیت غیر از کیفیت است و برابری غیر از یکنواختی. اسلام حقوق یک جور و یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است، ولی هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان را قائل نیست. اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنان مخالف است." (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۳).

بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در نظر گرفتن قوانین و مقررات و حقوق مشابه امری است که در جوامعی در حال اجراست، ولی اسلام این را قبول ندارد.

البته در قرآن هیچ موردی حاکی از تفاوت زن و مرد در اصل وجودی آنها نیست، بلکه در برخی حقوق و وظایف همچون ارث و شهادت متفاوت اند که به دلیل موقعیت خاص زن و مرد در جامعه است، ولی هیچ یک از این تفاوت‌ها ارزش انسانی زن را پایین نمی‌آورد و به منزله برتر بودن جنسی بردیگری نیست. این تفاوت‌ها مربوط به قانون خلقت است که برای محکم کردن پیوند زن و مرد است. شهید مطهری می‌گوید: "چه لزومی دارد که تفاوت‌های زن و مرد را به حساب ناقص بودن یکی و کامل‌تر بودن دیگری بگذاریم که مجبور شویم گاهی طرف زن و گاهی طرف مرد را بگیریم! این تفاوت‌های بین زن و مرد تناسب است، نه نقص و کمال." (همان، ۲۰۴).

سرپرستی و قیمومیت مردان بر زنان

طبق تفسیر علامه طباطبایی در آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾، "قیم" به معنای کسی است که مسئول قیام به امر شخص دیگر است. کلمه "قوام" و "قیام" مبالغه در همین قیام است، و مراد از جمله: ﴿بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ زیادت‌هایی است که خداوند به مردان به دلیل طاق‌ت بر اعمال دشوار داده است. زندگی زنان یک زندگی عاطفی است که اساسش رقت و لطافت است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۵۴۳).

خانواده واحد کوچک اجتماعی است که نیازمند سرپرست است. قرآن تصریح می‌کند مقام سرپرستی باید به مرد داده شود. منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۷۰) دادن نفقه از مال خود موجبات سرپرستی را فراهم می‌آورد که از لحاظ عقلی پذیرفتنی است. زبیدی آورده: "قیم به معنای سرور و گرداننده امر است و به زن، "قیمه" گفته می‌شود. در برخی زبان‌ها "قیم المرأة" به معنای همسر اوست؛ زیرا به امور و نیازمندی‌های او می‌پردازد. "قوام یعنی متکفل امور" (زبیدی، ۱۳۰۶: ۳۴/۹) تعدادی از مفسران نیز قوامون را به معنای اداره معاش، کفالت و نگهداری زنان دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۵۲/۳۸؛ فضل‌الله: ۱۴۱۹: ۲۳۰/۷؛ مدرسی، ۱۴۰۶: ۷۳/۲؛

جعفری، ۱۳۶۱: ۱۱/۲۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۷، ۳۸ و ۳۲۶) واژه "قوامون" در این آیه با حرف "علی" آمده است که در زبان عرب معنای نظارت و مراقبت را پیدا می‌کند. (راغب، بی تا: ۶۹۰/۱)

دسته بندی زنان در قبال وظایف خانوادگی

در یک تقسیم بندی قرآنی، زنان به دو گروه تقسیم شده‌اند. دسته اول مطیع شوهران خود هستند. این به معنای زیاده طلبی همسر نیست و این اطاعت و تمکین در امور جنسی است. آنان «حافظات للغیب» هستند؛ یعنی در غیاب شوهر نیز از اسرار، مال، حیثیت و ناموس همسرشان نگهداری می‌کنند. مردان ملزم به تکریم و حق شناسی در برابر همسران خود هستند. دسته دوم دقیقاً خلاف موارد یاد شده عمل می‌کنند.

تأدیب زنان متخلف (ناشزه)

تنبیه بدنی یاد شده در قرآن مربوط به دسته زنان ناشزه است. این اقدام، سه مرحله دارد:

﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ﴾:

۱- "فَعِظُوهُنَّ": درباره زانی است که نشانه‌های دشمنی در آن‌ها آشکار می‌شود.
۲- "وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ": در صورتی که اندرزهای شما سودی نداد، در بستراز آن‌ها دوری کنید" و با این عکس العمل، نارضایتی خود را از رفتار آن‌ها آشکار سازید؛ شاید همین "واکنش خفیف" مؤثر واقع گردد.

۳- "وَأَضْرِبُوهُنَّ": اجازه داده شده که از طریق "تنبیه بدنی" آن‌ها را به انجام وظایف خویش وادار کنند. مسئله تنبیه بدنی درباره افراد وظیفه‌شناسی مجاز شمرده شده که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشود، و اتفاقاً این موضوع فقط منحصر به اسلام نیست. ثانیاً "تنبیه بدنی"، همان طور که در کتب فقهی آمده است، باید ملایم و خفیف باشد، به طوری که نه موجب شکستگی و مجروح شدن گردد و نه باعث کبودی بدن. بی‌گمان اگر یکی از دو مرحله پیشین مؤثر واقع شود وزن وظیفه خود را انجام دهد مرد حق

ندارد بهانه‌گیری کرده، درصدد آزار زن برآید، لذا به دنبال این جمله می‌فرماید: ﴿فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً﴾ (نساء / ۳۴)؛ اگر آن‌ها اطاعت کنند، به آنها تعدی نکنید.

مردان نیز همانند زنان در صورت تخلف از وظایف مجازات می‌گردند، حتی مجازات بدنی، ولی چون این کار غالباً از عهده زنان خارج است، حاکم شرع موظف است که مردان متخلف را از طرق مختلف و حتی از طریق تعزیر (مجازات بدنی) به وظایف خود آشنا سازد. (بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۷۲ و ۳۷۳).

سید محسن امین نیز می‌نویسد: "اسلام مرد را بر زن مسلط نکرده و تأدیب زن را به هنگامی که سر به نشوز و نافرمانی بردارد و بخواهد نظام خانوادگی را دستخوش آشفتگی و از هم‌گسیختگی سازد، مجاز شمرده است؛ آن هم برای حفظ نظام خانواده و برای اینکه هر دو به خوبی و نه با ستیز با یکدیگر زندگی کنند، اما مقرر کرده که این تأدیب باید با لطف و نرمی باشد و ابتدا از مرحله‌ای ساده آغاز کنند و کار را به جای باریک نکشانند؛ مگر آنکه راه حل نخست مفید واقع نشود. در این باره خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء نخست به پند زبانی فرمان داده و چنانچه این اقدام سودمند نیفتاد به کناره‌گیری در بستر دستور داده است." (امین، ۱۳۷۴: ۱/۵۴)

علاوه بر این تفاسیر، در برخی از کتب لغت می‌توان معانی دیگری برای "ضرب" دید؛ از قبیل "روی گردانیدن" و "توجه نکردن". (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۶۷؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۳۱۴/۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۱۷۵).

"إمرؤ القیس" از شاعران معروف عرب در دوران جاهلیت است و بسیاری از مفسران و واژه‌شناسان به اشعار او که مورد تأیید همگان بوده استناد می‌کنند. وی در دیوان شعر خود اصلاً واژه ضرب را به معنای کتک زدن به کار نبرده و "ضرب" را "ترک کردن" معنا کرده است.^۱ دور از ذهن نخواهد بود اگر بیان کنیم که شاید ما به عنوان مخاطبان قرآن،

۱. وما ذرفت عیناک إلا لتضربی بهمیک فی أعمار قلب مقل

معنای درست "اضربوهنّ" را درنیافته‌ایم. همچنین وقتی در این آیات، رأفت و مهربانی خدا را نسبت به زن می‌بینیم که ابتدا از گفت‌وگو، سپس جداسازی بستر صحبت شده است، چطور ممکن است که در گام سوم از زدن زنان صحبت شده باشد که با هیچ یک از آیات النساء در قرآن معنای مشترکی نمی‌یابد؟

بیان صریح و مستقیم "زدن زن"، توهّم خشونت و نقض حقوق بشر را در ذهن ایجاد می‌کند.

با وجود این، در دین اسلام، بخشش، گذشت و مدارا ارجح است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: "هر مردی که با همسر بد اخلاقش بسازد، خداوند در برابرش کیبایی او ثواب صبر حضرت ایوب را به او اعطا خواهد کرد." (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵/۷۴) نیز می‌فرماید: "بدترین مردان آنانی هستند که بخیل‌اند و خیرشان به کسی نمی‌رسد و به ناحق به زبردستان خود سخت می‌گیرند و خانواده خود را خوب اداره نمی‌کنند، به طوری که خانواده آن‌ها در امور زندگی ناچار از دیگران کمک می‌خواهند." (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۲/۱۴).

ویل دورانت می‌گوید: "گاه می‌شد که پیامبر نیز چون دیگر مسلمانان با بعضی از زنانش بگو مگوداشت، ولی همیشه آن‌ها را محترم می‌داشت و نسبت به آن‌ها و همه زنان مسلمان احساسات شایسته داشت." (دورانت، ۱۳۸۳: ۳۷)

شبهه "سلطه شوهر بر زن"

گیلادی در نوشتار خود به سلطه مطلق شوهر بر همسر خویش اشاره می‌کند. با پژوهشی در قرآن مشخص می‌شود که حتی شوهر موظف است تا با همسر خویش معاشرت به معروف نماید. (بنگرید به: نساء / ۱۹)

واژه "معروف" ۳۸ بار در قرآن به کار رفته که ۱۹ مورد آن توصیه به شوهران درباره معاشرت با زنان است. علامه طباطبایی "معروف" را هر امر شناخته شده در جامعه می‌داند و اینکه انکار نشود و جهلی نسبت به آن وجود نداشته باشد. ("طباطبایی، ۱۹۸۳: ۲۶۲/۴)" کلمه "معروف" در آیه مورد بحث (نساء / ۱۹) عام است و شامل هر چیزی

می‌شود که در میان مردم نیکو شمرده شود و تنها نباید موجب حلال شدن حرامی یا حرام شدن حلالی شود. " (وافی، بی تا: ۳۰) این معروف در جامعه‌ای که عرف قابل تشخیص است، شناخته شده می‌باشد و به تحقیق نیاز ندارد، ولی جامعه‌ای که انحراف‌های اجتماعی در آن موج می‌زند دیگر عرف قابل شناسایی نیست. (رشیدرضا، بی تا: ۴/۴۵۶) " خداوند معاشرت معروف با زنان را بر مردان واجب کرد و حتی زمانی که مرد از همسرش کراهت دارد از آن اغماض نکرده است. " (قطب، ۱۴۱۲: ۱/۶۰۵)

این معاشرت به معروف تا جایی پیش می‌رود که هنگام سپری کردن دوران عدّه طلاق رجعی زن مطلقه، مرد موظف است با او خوش رفتاری و یا دوباره با او زندگی کند، یا به طور معروف و با رعایت حقوق او از او جدا شود. این امر در قرآن با نهی از ضرر زدن به آنان است. (بنگرید به: طلاق / ۶).

نتیجه

گیلادی با بهره‌گیری گزینشی از آیات قرآن، در ارائه اطلاعات درست از قرآن ناتوان مانده است. او اندیشه برتری مرد بر زن را در فرهنگ جامعه اسلامی براساس قرآن مطرح کرده و این ناشی از نادیده گرفتن آیات حاکی از نگاه متعالی قرآن به نهاد خانواده است. پیش از ظهور اسلام، باتوجه به نادیده گرفتن حقوق زنان و تحقیر آنان به عنوان موجودی بی ارزش، جامعه مادرسالاری نمی‌توانسته بر سرزمین عرب حاکم باشد تا با ظهور اسلام، طبق نظر گیلادی، به جامعه پدرسالاری تغییر کند. همچنین ثابت شد دیدگاه این نویسنده مبنی بر رسمیت یافتن چند زنی براساس تعدّد زوجات پیامبر ﷺ انگاره‌ای باطل است؛ چرا که تعدّد زوجات هم در میان اعراب و هم در سرزمین‌های دیگر رواج داشته است. اگر هم منظور از رسمیت تعدّد زوجات، دستیابی زن به حقوق مربوط به خود باشد، توسط نویسنده تصریح نشده است.

در این نوشتار با توجه به آیات قرآنی در زمینه خلقت انسان، توهم برتری مرد بر زن بر اساس برداشت گیلادی از قرآن مخدوش شد. این اثبات همچنین به کمک تفاسیر و احادیث قوت یافت. نویسنده مدخل خانواده با کاربرد مفاهیمی از قبیل تأدیب فیزیکی

زن و کشتزار بودن زن برای مرد، جهت بیان برتری مرد بر زن از آیات قرآن استفاده کرده بود که با بررسی این آیات، معنای درست آن‌ها تبیین شد.

منابع

۱. *القرآن الکریم*، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۳. ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، دار بیروت، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۴. ابن شعبه، *تحف العقول*، مؤسسة الاعلمی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ ق. / ۱۹۷۴ م.
۵. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، المكتبة الاسلامی، بیروت، ۱۳۸۹ ق. / ۱۹۶۹ م.
۶. ابن ماجه، *سنن ابن ماجه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ ق. / ۱۹۷۵ م.
۷. اسکندر لولو، محمد جواد، «معرفی و نقد دایرة المعارف قرآن لیدن»، *نشریه قیسات*، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲ ش.
۸. ابوزهره، الإمام محمد، *تنظیم الإسلام للمجتمع*، دارالفکر العربی، بی جا، ۱۹۷۵ م.
۹. اقبال، مظفر، «خاورشناسی و دائرة المعارف قرآن»، *مجله قرآن پژوهی خاورشناسان*، سال ۴، ش ۶، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. امین، سید محسن، *سیره معصومان، زندگی پیامبر اسلام خاتم الانبیاء*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. بستانی، فؤاد افرا، *فرهنگ ابجدی*، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. جلالی کندی، سهیلا، *زن مسلمان: پرده نشینی یا حضور اجتماعی*، دانشگاه الزهراء ع.ا.ع.، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. جعفری، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آئینه جلال و جمال*، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. دورانت، ویلیام جیمز، *لذات فلسفه*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. _____، *زن از نگاه ادیان*، ترجمه علی فتحی لقمان، انتشارات آوند اندیشه، شیراز، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق محمد سید کیلانی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۱۹. رشیدرضا، محمد. *تفسیر المنار*، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، «بررسی دائرة المعارف قرآن لایدن»، *مجله قرآن و مستشرقان*، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.

۲۱. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دارمکتبه الحیاة، بیروت، ۱۳۰۶ق.
۲۲. زمخشری، محمد، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *اسلام و انسان معاصر*، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
۲۵. _____، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسین، *المبسوط*، دز: *الینابیع الفقهیّه*، گردآوری علی اصغر مروارید، موسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۳ق. / ۱۹۹۳م.
۲۸. عجاج خطیب، محمد، *اصول الحدیث*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲ق. / ۱۹۹۲م
۲۹. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳۰. _____، *دنیا المرأة*، دارالملاک، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق. / ۱۹۹۸م.
۳۱. _____، *قراءة جديدة لفقه المرأة الحقوقي*، دارالثقلین، بیروت، ۱۴۱۵ق. / ۱۹۹۵م.
۳۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
۳۳. قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق. / ۱۹۸۵م.
۳۴. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۳۵. قطب، سید بن ابراهیم بن شاذلی، *فی ظلال القرآن*، دارالشرق، بیروت - قاهره، ۱۴۱۲ق.
۳۶. مدرّسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، دارالهدی، بی جا، ۱۴۰۶ق.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، مؤسسه بلاغ، بیروت، ۱۴۱۲ق. / ۱۹۹۲م.
۳۸. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، چاپ و نشر علامه طباطبایی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۷ش.
۳۹. _____، *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۹ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۱. مؤدب، سید رضا - سید محمد موسوی مقدم، «نقد دائرة المعارف قرآن لیدن براساس آراء و مبانی شیعه»، *مجله شیعه شناسی*، سال ششم، ش ۲۳، ۱۳۸۷ش.
۴۲. مهریزی، مهدی، *زن، نشر خرم*، قم، ۱۳۷۷ش.
۴۳. _____، «تحلیل تفسیری و فقهی آیه "ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه"»، نشریه حقوق-آموزه های فقهی، ش ۳۴.

۴۴. نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات پارسایان، قم، ۱۳۸۹ ش.
۴۵. وافی، علی عبدالواحد، المرأة فی الاسلام، دارالنهضة، قاهره، بی تا.
۴۶. هندی، علاء الدین، کنز العمال، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق. / ۱۹۸۹ م
47. Mc Auliffe, Jane Dammen (2002) The Encyclopedia of the Quran, Boston, Leiden: Brill Academic publishers.